کوتاه از جامعه

چمن، آب تهران را می‌بلعد

چمن ۴۱درصد از پوشش‌گیاهی فضای ۱۴هزار هکتاری سبز شهر تهران را تشکیل داده است، یعنی ۵۷۴۰هکتار چمن در تهران کاشته‌شده و این درحالی است که ۵۰درصد از کل آب مورداستفاده برای نگهداری فضای‌سبز تهران معادل ۷۳میلیون مترمکعب، صرف آبیاری چمن می‌شود!

بررسی‌های برخی کارشناسان از این حکایت دارد که اگر ۱۰۰مترمربع چمن را از محیط‌های شهری حذف کنیم به‌جای آن می‌توان ۱۰۰۰مترمربع جنگل‌کاری کرد؛ جنگل‌کاری و توسعه فضای‌سبز به جای چمن به‌وسیله گونه‌های بومی و کم‌آب بهترین روش جایگزینی چمن است؛ گیاهان جارو، ارس‌خزنده و درختان زبان‌گنجشک و زیتون ازجمله گونه‌هایی هستند که کارشناسان به‌عنوان گونه‌های جایگزین چمن نام می‌برند و آنها را مناسب اقلیم تهران می‌دانند./تسنیم

انزلی در رسوب غرق می‌شود

احمدرضا لاهیجان‌زاده، معاون محیط‌زیست دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست گفت: درصورت تداوم رسوب‌گذاری در تالاب پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۱۵ بخش عمده تالاب انزلی خشک خواهد شد.

وی با اشاره به روند تدریجی ازدست‌رفتن برخی تالاب‌های کشور افزود: ۱۵هزار هکتار از عرصه جنوبی میانکاله را نیز ازدست داده‌ایم.

به گفته لاهیجان‌زاده برای احیای تالاب بین‌المللی انزلی ردیف اعتبار ملی در نظر گرفته شده است. معاون محیط‌زیست با اشاره به مصوبه ۲۲۰۰میلیارد تومان پیش‌بینی‌شده وزارت‌نیرو در حوزه آب و فاضلاب ادامه داد: تمام طرح‌های مربوط به احیای تالاب‌انزلی در قالب این پروژه آورده شده و اعتبارات موردنیاز متناسب با آن پیش‌بینی می‌شود. وی با اشاره به خشکسالی و مطالعات جامع انجام‌شده جهانی روی دریاچه خزر در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ نیز افزود: مطالعات نشان می‌دهد که تغییرات اقلیم دریای‌خزر که از دهه ۷۰ شمسی آغاز شد، بسیار تاثیرگذار بوده و هنوز نیز ادامه دارد./ محیط‌زیست

گلایه والدین از اخذ رضایت‌نامه برای حضور در مدارس

محمدحسین کفراشی، رئیس اداره‌کل ارزیابی از عملکرد و پاسخگویی به شکایات آموزش و پرورش با بیان اینکه اخذ رضایت‌نامه از خانواده‌ها برای حضور دانش‌آموزان در مدارس، بیشترین موضوع شکایت پس از بازگشایی مدارس بوده است، گفت: برخی خانواده‌ها درخصوص بازگشایی مدارس اعلام کردند که مدرسه از والدین برای حضور دانش‌آموزان در مدرسه رضایت‌نامه می‌خواهد. به گفته وی آموزش و پرورش اعلام کرده است که با توجه به بازگشایی مدارس دیگر نیازی به اخذ رضایت نامه نیست.

کفراشی درباره شکایت خانواده‌ها از رعایت‌نشدن پروتکل‌های بهداشتی در مدارس نیز افزود: مدارس موظف به رعایت پروتکل‌های‌بهداشتی هستند و درخصوص رعایت‌نشدن پروتکل‌ها گزارش و شکایت زیادی به دست ما نرسیده است./ایرنا

۸۷۰۰ قرارداد برای ارتباط صنعت با دانشگاه

محمدسعید سیف، مدیرکل دفتر ارتباط با صنعت وزارت‌علوم با اشاره به تهیه کارنامه عملکرد دانشگاه‌ها در ارتباط با صنعت گفت: در یک‌سال اخیر ۸۷۰۰ قرارداد ارتباط با صنعت توسط دانشگاه‌ها منعقد شده است و در کارنامه عملکرد دانشگاه‌ها در ارتباط با صنعت، برخی دانشگاه‌ها با عملکرد متوسط و برخی دیگر با عملکرد حداکثری هستند. سیف ادامه داد: در واقع دانشگاه‌ها می‌توانند در این کارنامه متوجه شوند که دراین‌خصوص چه جایگاهی دارند و در چه مواردی ضعیف یا قوی هستند. به گفته وی به این ترتیب دانشگاه‌ها می‌توانند برنامه‌ریزی کنند تا در همه شاخص‌ها رشد کنند و درنهایت همکاری با جامعه و اثربخشی آنها در ایجاد اشتغال افزایش یابد./ایرنا

خطر شیوع انفجاری امیکرون

علیرضا ناجی، رئیس مرکز تحقیقات ویروس‌شناسی دانشگاه علوم‌پزشکی شهیدبهشتی با اشاره به خطر افزایش تصاعدی و انفجاری کرونا با سویه امیکرون گفت: واریانت جدید امیکرون را به دلیل خصوصیاتی که دارد، باید بسیار جدی گرفت. وی افزود: از نظر میزان انتقال و سرعت شیوع حتی اگر بخواهیم امیکرون را با دلتا که انتقال‌پذیرترین واریانتی بود که شناسایی شد، مقایسه کنیم، می‌بینیم که میزان انتقال و سرعت شیوع امیکرون از دلتا هم بیشتر است. علیرضا اولیایی، معاون بهداشت ستاد کرونای استان تهران نیز با اشاره به تدوین دستورالعمل فازششم طرح شهیدسلیمانی جهت مقابله با کرونا گفت: باید در فازششم از روش سنتی ردیابی بیماران خارج شده و به ردیابی و قرنطینه هوشمند بپردازیم. وی درباره اجرای طرح شهیدسلیمانی افزود: این طرح دارای چند بعد نظارتی، حمایتی و... بود و هر جزء به بخشی سپرده شد. تاکنون پنج‌فاز از این طرح عملیاتی‌شده و اکنون وزارت‌بهداشت، ستادکرونا و وزارت‌کشور در حال تدوین دستورالعمل فازششم هستند./ایسنا

زلزله بم صبح ۵دی۸۲ اتفاق افتاد؛ حادثه‌ای تلخ که رنج آن هنوز برای بسیاری از اهالی بم تمام نشده است

عکس: جام‌جم

غفلت‌های تکان‌دهنده

در آستانه سالگرد زلزله مرگبار بم، نگاهی انداخته‌ایم به درس‌هایی که از زمین‌لرزه بزرگ کشور نیاموخته‌ایم

میثم اسماعیلی

جامعه

تقویم می‌گوید فردا دقیقا ۱۸ سال از آن بامداد تلخ بم می‌گذرد، صبحگاهی که با لرزش زمین آغاز شد و فقط در ۱۲ ثانیه نزدیک به ۴۰ هزار کشته برجا گذاشت. این مناسبت‌های تقویمی اما تناسبی با ذهن و خاطر ما ندارد، چراکه انگار همین دیروز بود که «بم فروریخت». توالی و تعدد حوادث طبیعی و غیرطبیعی در ایران طی همه این سال‌ها هم باعث نشد آن هراس هولناک صبحگاهی جمعه ۵دی۱۳۸۲ از یادمان برود. پیشتر از بم، در یک روز گرم تابستانی منجیل و رودبار آوار شده بود، قبل‌ترش طبس و بویین‌زهرا. زلزله پیوند سوگواری با جامعه ایرانی دارد، چراکه این اقلیم روی گسل‌های بسیاری بنانهاده شده به این معنا که با فعال‌تر شدن هرباره یکی از این گسل‌ها، جغرافیایی در این سرزمین خاک می‌شود. زلزله خبر نمی‌کند، اگر خطر سیلاب را می‌توان با هشدارهایی از چند روز پیش خبر داد، اگر آتش‌سوزی‌های گسترده را می‌توان با رعایت شیوه‌نامه‌ای سخت به حداقل رساند، زلزله اما بی‌خبر و هشدار به یکباره اتفاق می‌افتد ولی آنچه آشکار است این که در برابر این یکبارگی نباید تسلیم محض بود. در همه این سال‌ها آنچه شواهد نشان‌مان می‌دهد هنوز بی‌تجربه مانده‌ایم، از شهریور ۱۳۴۱ که زلزله بوئین‌زهرا ۲۰ هزار نفر را به کام مرگ کشاند تا زلزله دی ۸۲ بم که جان عزیز ۴۰ هزار نفر را گرفت ۴۱ سال فاصله است. اگر زلزله مرگبار کرمانشاه در سال ۹۷ را هم به این فهرست اضافه کنیم، این سؤال پیش می‌آید که در این حدود شش دهه چه آموخته‌هایی برایمان مانده که به کار زلزله‌های بزرگ دیگرمان بیاید؟ چقدر درس آموختیم از شیوه‌های اشتباه در شهر و خانه‌سازی؟ چه درس‌هایی گرفتیم در روش‌های به کار گرفته در مدیریت بحران؟ چقدر در پیامدهای اجتماعی چنین سوگ‌های جمعی توانستیم به بازمانده‌ها یاری بدهیم؟ تجربه گذر از چهار زلزله سهمگین فقط در ۴۰ سال حتما که باید آورده‌های بسیاری برای ما به همراه داشته باشد، آورده‌هایی که با اصلاح اشتباهات‌مان حداقل بتوانیم از حجم قربانیان حوادث آینده بکاهیم. این کمترین و مهم‌ترین درسی است که باید از تلخی صبح سرد جمعه پنجم دی ۸۲ برایمان به جا مانده باشد.

چرا عبرت نگرفتیم؟

ایران کشور زلزله‌خیزی است، این قطعی‌ترین داده‌ای است که می‌توان درباره این سرزمین و زلزله گفت اما با وجود این، هنوز نتوانسته‌ایم از تجربه گذر از زلزله‌های سهمگین درس‌هایی بیاموزیم.

سؤال مهم و ابتدایی همین‌جا شکل می‌گیرد. پیش از آن‌که بگوییم چه درس‌هایی به واسطه تعدد زلزله‌ها باید می‌گرفتیم، بگذارید برویم سراغ پاسخ این پرسش که چرا درس نمی‌گیریم؟ مسعود مجرب، زلزله‌شناس معتقد است نمی‌توان رفتار مدیریت مخاطرات در ایران را با کشوری همچون ژاپن مقایسه کرد، چراکه در این کشور مدیران و مردم به واسطه وقوع زلزله‌های بسیار به نوعی به آن عادت کرده‌اند. او به جام‌جم می‌گوید: «یک دلیل واضح در این میان وجود دارد و آن هم این که فاصله زلزله‌های سهمگین در ایران بیشتر از عمر مدیران در حوزه تصمیم‌گیری رخ می‌دهد. به این معنا که نتیجه تصمیمات آنها به احتمال بسیار پای مدیران دیگری نوشته خواهد شد.» دلایل دیگری هم درباره این چرایی مهم وجود دارد. او معتقد است هنوز هم باوری به انجام کارهای زیرساختی و بزرگ در این میان وجود ندارد، تصمیماتی که گاهی هزینه‌های بسیار کمی هم به همراه دارد. مجرب برای فهم این ادعا مثال قابل توجهی دارد. او ادامه می‌دهد: «ما در شرکتی دانش‌بنیان سامانه‌ای طراحی کردیم که با داده‌های به دست آمده از آن می‌توان با اعمال تصمیماتی معمولی از حجم خسارت‌های احتمالی کاست. یکی از آنها تعیین نوع مدیریت هنگام زلزله است اما هر کجا مراجعه می‌کنیم کسی باوری به آن ندارد.»

مجرب: در زمینه آموزش در برابر زلزله نیز هنوز آن طور که باید درست عمل نمی‌کنیم، هجوم شهروندان تهرانی بعد از زلزله ملارد به پمپ‌های بنزین نمونه آشکاری از این بی‌توجهی است

انبوه‌سازی روی گسل

این که درسی از زلزله‌های گذشته نیاموخته‌ایم به نوعی بدیهی به نظر می‌رسد و مصداق‌های مردودی ما از درس‌های نخوانده بسیار است اما سؤال این است که این اشتباهات در طول چند دهه گذشته چه بوده که همچنان ادامه دارد؟ کارشناسان این حوزه معتقدند اشتباهاتی وجود دارد که اراده‌ای به اصلاح آن نیست، اما آن اشتباهات چیست؟ فهرست اشتباهات برخلاف تصور، بلندبالاتر از همیشه است؛ از نحوه آگاهی‌رسانی به مردمی که در معرض زلزله قرار دارند بگیرید تا فرهنگ‌سازی برای بدیهیاتی از جمله نحوه کمک‌رسانی‌ها و البته موارد زیرساختی و مهم‌تری در سطح کلان همچون نوع ساختمان‌سازی، مدیریت رفتاری، مدیریت بحران هنگام این رخداد و حتی تعیین مکان برای انبوه‌سازی‌ها. این سیاهه وقتی مهم‌تر می‌شود که بدانیم مصادیق پرتعداد آن از جمله مواردی است که می‌توان به کار بست و به واسطه اجرای درستش از پیامدهای گسترده ناشی از زلزله به شکل چشمگیری کم کرد. به عنوان مثال مکان‌یابی ساخت سازه‌ها در کشور است، کشوری که در معرض زلزله‌های سهمگین بسیار است حتما که باید سازوکاری را در این رابطه به کار ببندد. اما جالب است بدانیم هیچ کار کارشناسی در این رابطه صورت نگرفته و نمی‌گیرد. مسعود مجرب معتقد است به واسطه تفاوت در قیمت زمین نمی‌توان به مردم در این رابطه اجبار کرد اما دولت که می‌خواهد انبوه‌سازی کند می‌تواند هنگام تصمیم برای ساخت و ساز کارشناسی‌تر عمل کند. او به جام‌جم می‌گوید: «برای نمونه هنگام ساخت مسکن مهر به این مهم توجه نشده است. نگاه کنید به مسکن مهر پردیس که در تقاطع دو گسل قرار گرفته یا مسکن مهر کرمانشاه که در معرض فرونشست قرار دارد. اینها از جمله مصادیق این نکته است.» این نبود کارشناسی‌ها حتی پس از رخداد زلزله هم ادامه دارد. معمولا این جمله پس از زلزله‌ها زیاد شنیده می‌شود که بازسازی‌ها آغاز شد! در حالی که به اعتقاد کارشناسان این حوزه همین بازسازی‌ها هم نیاز به کار کارشناسی دارد که تاکنون آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفته است. این موضوع زمانی قابل توجه‌تر است که بدانیم وزارت مسکن اعلام کرده در راستای اجرای برنامه نهضت مسکن تملک زمین‌ها صورت گرفته است. اما از این‌که تعیین محل این زمین‌ها به واسطه رخدادهای طبیعی چقدر با کارشناسی انتخاب شده کاملا مشخص نیست. مهدی زارع، استاد پژوهشکده زلزله‌شناسی هم معتقد است: «حریم گسل‌های فعال یک واقعیت است. این مساله که در نزدیکی گسل شهرک‌سازی و زندگی آیا منطقی و ایمن است؟ هنوز بحث محافل است. شاید این یکی از مهم‌ترین درس‌هایی باشد که باید از زلزله بم می‌گرفتیم، ولی ظاهرا نگرفته‌ایم!»

ساخت ساختمان‌های یک‌بارمصرف

در کنار مرگ و میر انسانی که تلخ و گزنده است، تصاویر دیگری هم از زلزله‌های گذشته ایران به جا مانده که نشان از میزان تخریب سازه‌ها و بناهای متعدد است. دیواری که فروریخته روی خودرویی، سقف بیمارستانی که آوار شده روی تخت‌های بیماران و تابلویی که تنها باقیمانده از شهرداری شهر زلزله‌زده است برخی از معروف‌ترین این تصاویر است. نشانه‌هایی که مردودی در امتحان مهم دیگری را در این زمینه به ما یادآور می‌شود و آن مساله‌ای نیست جز کیفیت پایین و غیراصولی در ساختمان‌سازی.

اسماعیل نجار، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور گفته است: «به‌رغم این‌که بیشتر شهرهای ما جزو مناطق زلزله‌خیز به شمار می‌آیند، آن‌طور که باید و شاید در ساخت و سازهایمان استانداردهای لازم رعایت نمی‌شود و برخی از مهندسان ناظر نظارت درستی بر پروژه‌های ساختمانی ندارند و همچنان به این موضوع مهم بی‌توجه‌ایم.» این گفته را حتی می‌توان در میان مسوولانی یافت که اساسا محور خدماتشان درباره حسن ساخت این سازه‌ها قرار دارد. به عنوان مثال وزارت راه و شهرسازی اعلام کرده است: «عمر مفید خانه‌های تازه در تهران تنها ۲۰ سال است!» و جالب‌تر از این اظهارنظر باید به گفته‌های مسوولان سازمان نظام مهندسی بپردازیم که اعلام کرده‌اند: «بیشتر خانه‌های تهران را غیرمتخصص‌ها می‌سازند!» جالب این‌که بدانیم این دو نهاد در کنار شهرداری‌ها از جمله نهادهایی هستند که باید مجوزهای لازم در راستای کیفیت ساختمان‌سازی را صادر کنند. مهم‌تر این‌که بدانیم این موضوع در رابطه با سازه‌های مهم از جمله بیمارستان‌ها، مراکز امنیتی و ساختمان‌های دولتی هم صدق می‌کند. مسعود مجرب در گفت‌وگو با ما می‌افزاید: «هنوز باوری به رعایت اصول ساختمان‌سازی حتی بین مدیران پروژه هم وجود ندارد.»

بحران در مدیریت بحران

تعدد رخدادهای طبیعی در ایران این باور را به ذهن متبادر می‌کند که حداقل ما توانسته‌ایم در حوزه مدیریت بحران تجارب مهمی به دست آوریم. اما حقیقت این است که از اظهارنظر کارشناسان این حوزه می‌توان متوجه شد در این زمینه هم نتوانسته‌ایم آن‌طور که باید عمل کنیم. در مورد زلزله این موضوع باعث از دست رفتن ۷۲ ساعت ابتدایی می‌شود که بسیار در این زمینه مهم است و کارشناسان مدیریت بحران به آن «زمان‌طلایی» می‌گویند. نوع هماهنگی‌ها میان مسؤولان و مدیران ازجمله پیش‌پاافتاده‌ترین موضوعاتی است که همواره در میانه رخدادهای بزرگ طبیعی فراموش می‌شود. از این موضوع بگذریم باید به نحوه کمک‌رسانی‌ها اشاره کنیم. هنوز هم پای ثابت مشکلات تکراری مناطق زلزله‌زده توزیع اقلام میان زلزله‌زدگان است. در کنار آن خود این کمک‌ها هم گاه نسبتی با نیازها نداشته است.

مسعود مجرب در این رابطه عنوان می‌کند: «در زلزله سی‌سخت ما مشکل توزیع پتو داشتیم. در زلزله سرپل‌ذهاب مشکل‌مان این بود که همه می‌رفتند سمت کانون زلزله در ازگله درحالی‌که خرابی‌ها در سرپل‌ذهاب بود. در زلزله اخیر هرمزگان همه توجهات به سمت قشم بود اما این دست مشکلات حل‌شدنی و عجیب است که همچنان در حال تکرار است.» او همچنین به نکته مهمی اشاره می‌کند که در میان شوک ابتدایی این حوادث معمولا فراموش شده است. این کارشناس زلزله می‌گوید: «نصف جمعیت زلزله‌زده ما زنان هستند درصورتی‌که هیچ پک بهداشتی در کمک‌های ارسالی دولتی و مردمی برای آنها وجود نداشت. این در حالی است که به‌عنوان‌مثال در کرمانشاه کوهی از دلستر و ماست بسته‌بندی در کمک‌های ارسالی انباشت شده بود! در میان حجم تلنبارشده لباس‌های دست‌دوم در زلزله غرب اما جای نیروهای متخصص مانند مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان نیز خالی بود.»

روان، زیر آوار می‌ماند

سوگ، پیامدهایی دارد که ممکن است در خوشبینانه‌ترین حالت نشانه‌های آن در کمتر از شش‌ماه بروز پیدا کند. در این میان سوگ‌های حل‌نشده می‌تواند زندگی خانواده‌های به‌جامانده از زلزله را هم نابود کند. این موضوع هم ازجمله درس‌های بزرگی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته. هم در میان باور عامه و هم در تصمیم‌های مدیران تهیه سرپناه حکم نهایی کمک‌رسانی‌هاست. این‌که بازمانده‌های سوگ‌دیده با چه روانی قرار است به زندگی خود ادامه دهند خیلی زود فراموش می‌شود.

علیرضا عابدین، روان‌شناس در پژوهشی که با عنوان «کمک‌های اولیه روان‌شناختی برای افراد زلزله‌زده منتشرشده نوشته است: «هنگام مواجهه اولیه با آسیب‌دیدگان پرداختن به موضوع حادثه در درجه اول و ساعات اولیه لازم نیست چراکه باعث واکنش‌های منفی می‌شود. اشتباه بزرگی که به خاطر دارم در زلزله بم درباره آن هشدار داده بودم اما بسیاری از اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی این عمل را انجام دادند. مجددا در زلزله کرمانشاه اعلام کردم اشتباه بم را مرتکب نشوید. ضمن جلوگیری از آسیب‌های فیزیکی و بیولوژیکی باید این آمادگی را داشته باشیم که از آسیب‌های روحی و روانی جلوگیری کنیم. باید توجه داشت که به مشکلات روحی بعد از حادثه بپردازیم. بعد از حل مشکلات جسمی، انبارگردانی و ایجاد حس امنیت در بین مردم، بازتوانی اجتماعی لازم است.» کارشناسان این حوزه معتقدند این موضوع هرچند با توجه به اتفاقاتی همچون فراگیری کرونا حالا مورد توجه بیشتری قرار گرفته است اما نکته دیگر این است که توجه به بهداشت روانی حادثه‌دیدگان در میانه این رخدادها معمولا زودتر از بقیه موارد فراموش می‌شود. رهاشدگی افراد مصیبت‌دیده به‌ویژه در اتفاقاتی همچون زلزله که آمادگی روانی لازم برای آن هم وجود ندارد باعث می‌شود بازتوانی روانی این افراد به نوعی غیرممکن شود. توجه به این موضوع هم می‌تواند ازجمله درس‌هایی باشد که برای ما از زلزله‌های بسیار مانده است. تجاربی که برخلاف زلزله می‌توان برای آن تصمیمی گرفت و کاری کرد.

رفتارشناسی مواجهه با زلزله

زلزله برای مردم ایران همان تعریفی را ندارد که برای ژاپنی‌ها دارد. فاصله کوتاه وقوع زلزله‌های سهمگین در این کشور باعث شده به نوعی مردم به آن خو بگیرند و مسؤولان‌شان تصمیم‌هایی در راستای کم‌کردن پیامدهای این حوادث داشته باشند. سیلاب برای مردم بنگلادش در زمره اتفاق‌های معمولی محسوب می‌شود. این‌که سه هفته بیش از یک‌متر آب در خیابان‌ها جاری باشد هیچ خللی در زندگی مردم آن کشور ایجاد نمی‌کند و زیرساخت‌هایشان هم آسیب چندانی نمی‌بیند اما این اتفاق برای مردم ایران یک شوک مهم محسوب می‌شود. همین موضوع ازجمله مواردی است که کارشناسان معتقدند در رابطه با آن اقدامی انجام نشده است. آنها می‌گویند تحلیل رفتاری شهروندان در رابطه با وقوع زلزله نشان از همین ناآگاهی دارد. هجوم شهروندان تهرانی بعد از زلزله ملارد به پمپ‌های بنزین نمونه آشکار این ناآگاهی است. درحالی‌که پمپ‌بنزین حتی در صورت وقوع زلزله ازجمله مراکز خطرناک شهری محسوب می‌شود. به همین علت مسعود مجرب معتقد است در این حوزه نیز اقدامی انجام نشده است. او می‌گوید: «نوع چینش مبلمان خانگی می‌تواند در نجات جان افراد موثر باشد اما اغلب مردم به آن بی‌توجه هستند چراکه به آنها آموزش مناسبی ارائه نشده است.»